



آن است که خود ببوید ...

مریم باغ گلشنی، آموزگار پایه سوم، دبستان پسرانه دوره دوم ناحیه ۲

با بررسی موضوعات درس پژوهی از ابتدا تاکنون، آنچه مشاهده شد، تغییر در روش‌های تدریس معلمان و راهکارهای ارائه مطالب بود تا علاوه بر یادگیری معلمان از یکدیگر، در یادگیری دانش‌آموزان هم تغییرات مثبتی حاصل شود؛ در کنار چنین موضوعاتی به تغییرات اثربخشی در مسائل اخلاقی و رفتاری و نیز کسب بعضی مهارت‌های فردی و اجتماعی به‌عنوان موضوع درس پژوهی پرداخته شد. پر واضح است که بی‌اثر نبوده است و بسیار از آن‌ها آموخته‌ایم. اما نکته این‌جاست! آیا از دستاوردهای این همه سال تلاش و همت، در سال‌های بعدی نیز استفاده شده است؟ آیا معلمان در پایه‌های دیگر با ذوق و شوق از این دستاوردها جهت بهسازی عملکردشان به‌سمت یادگیری هر چه بهتر و بیشتر، استفاده کرده‌اند؟

به‌نظرم این موضوع بسیار جای بحث دارد. اگر هر پروژه درس پژوهی که اجرا می‌گردد، رها شود و سال بعد به روند بهبودی آن یا استفاده از آن در کنار طرح موضوع جدید، پرداخته نشود، جای بسی نگرانی دارد. از دیدگاهی دیگر آنچه در این سال‌ها تجربه کرده‌ام، این بود که آن‌طور که باید پرده‌ها برداشته نشد تا معلوم شود واقعیت چیست؟ قول و عمل‌ها سنجیده نگشت. بهسازی کار معلم، بهسازی بیان، نحوه بیان، بهسازی طرح مسئله و بهسازی این‌که بتوانیم مهره‌های رشته فعالیت‌مان را به هم وصل کرده و از نخ فضای روانی و گفت‌وگوی سازنده دانش‌آموزان جهت وصل کردن این مهره‌ها بهره ببریم، حادث نگشت؛ یا اگر بود در نتایج مشاهده نشد.

به‌نظر می‌رسد هنوز از سکوها پایین نیامده‌ایم و به یادداشت‌کردن حرف‌ها و واکنش‌های دانش‌آموزان نپرداخته‌ایم. هنوز به آنان نشان نداده‌ایم که وقتی اظهارنظر می‌کنند، دیده می‌شوند. هنوز درس پژوهی به ما آرامش نمی‌دهد. تمرین نگاه‌کردن به دانش‌آموزان و غافل‌نبودن از آن‌ها را به گفت‌وگو نگذاشته‌ایم. از آینه یکدیگر عملکردهای ریزمان را ندیده‌ایم تا با تغییر آن‌ها، دل‌هایمان در کلاس درس، هر روز بیش از قبل، گرم شود.

درس پژوهی از زمانی که در مجموعه جوادالائمه(ع) به اجرا درآمد، تاکنون سیر صعودی و پیشرفت در اجرا و دستاوردهای آن داشته است. تنوع موضوعات، خارج‌شدن از حیطه درسی و علمی، روی آوردن به مسائل تربیتی، افزایش تعداد معلمان شرکت‌کننده در این چرخه و بعضاً بهبود کیفیت عملکردها، از نتایج اجرای این رویکرد بوده است. از چارچوب خشک با قوانین و مقررات دست‌وپاگیر خارج شده و به سوی قابل فهم‌بودن مطالب برای همه (معلم، والدین فرهنگی و غیرفهرنگی، دانشجویان و ...) رفته است. نثر نوشتاری در ارائه‌های کتبی، روان گشته و آنچه انجام شده با بیانی شیوا و سلیس، تحریر شده است تا کیفیت بهره‌برداری از آن بهبود یابد. از موضوعات پایه به‌سمت مشارکت معلمان در پایه‌های مختلف، حرکت کرده تا به دستاوردهای جالب و کارآمدتری برسد.

هر سال تعداد گروه‌های درس پژوهی افزایش یافته و موضوعات متنوع به چالش کشیده شده است. به قولی، درس پژوهی به‌عنوان شاخصه مجموعه جوادالائمه(ع) شناخته می‌شود. این‌ها تمام آن چیزی است که با مطالعه کتاب‌های مربوط به درس پژوهی معلمان این موسسه، نشریات چاپ‌شده و مصاحبه‌های نگاشته‌شده در این مجلات، قابل رؤیت است.

اما اگر بیاییم دست از بزک‌کردن برداریم و به این روند بدون نقابی که وجود دارد، بنگریم؛ آیا در ذهن و اندیشه تمامی مجریان این طرح نیز پیشرفت و تغییر نگرش روی داده است؟ یا خدای ناکرده برای رفع تکلیف و نمایش کاری زیبا و به‌اصطلاح دهان‌پرکن، وارد این گود شده‌ایم؟ آیا از زمانی که سنگ‌های مسیر را از سر راهمان برداشتند و دست‌مان را در اجرا و ارائه‌های شفاهی و کتبی، باز گذاشتند؛ بیشتر علاقه‌مند گشتیم و پرشورتر کار کردیم؟ یا وادادیم و فقط جهت انجام وظیفه محوله به آن فکر کردیم؟ که اگر چنین باشد، فقط شعار داده‌ایم و به‌عنوان یک معلم در مسیر رشد حرفه‌ای قدم نگذاشته‌ایم.



دانش‌آموزان و تاکید بر پرسش و پاسخ، از محورهای درس کاوی به شمار می‌آیند.

پس بیاییم درس پژوهی و درس کاوی را پیوند زده و در این راستا گامی نو برداریم. علاوه بر هم‌اندیشی و انتخاب راه‌های جدید تدریس و عملکردهای بهینه در مسیر یادگیری دانش‌آموزان، درباره داده‌های فرایند آموزش و یادگیری هم گفت‌وگوی بی‌پایانی داشته باشیم؛ چراکه آموزش، صحنه‌پردازی یادگیری است و اگر یادگیرنده تغییر نکند و یاد نگیرد، یعنی معلم، آموزش نداده یا به‌عبارتی در صحنه‌پردازی تغییر یادگیرنده، موفق نبوده است. پس می‌توان از یادگیری معلم به سمت یادگیری دانش‌آموزان حرکت کنیم تا علاوه بر یافتن راه‌های بهتر برای بهسازی آموزش و بهبود روابط خویش با دانش‌آموزان، به معلمی هم پرداخته و آن را واکاوییم. با طرحی مشارکتی، با بازنمودن درهای کلاس، با ارزیابی طرح‌درسی اندیشیده‌شده و تاثیرگذاری آن بر یادگیری دانش‌آموزان آغاز کنیم و با واکاوی و آنالیز لحظه‌های همین تدریس، مسیرمان را ادامه دهیم تا به ایده‌ها و تجربه‌های تازه‌ای دست یابیم و توان بازنگری در فعالیت‌های آموزشی خود را بالا ببریم. در راستای اجرای چنین پروسه‌ای قطعا کارها اصولی‌تر و براساس شواهد عینی و نتیجه‌گیری‌های مستند صورت می‌گیرد.

در این خصوص دیگر نمی‌توان به بزک‌کردن و تهیه آرشيو عکس‌های گوناگون، بدون عمل مفید پرداخت؛ چراکه پرده‌ها کنار زده می‌شوند و باید همگان ناظر عملکرد عینی ما باشند تا پس از پیاده‌سازی و واکاوی، فرصت بهسازی تدریس و تغییر به‌دست آید و منجر به یادگیری مستمر گردد؛ چراکه آدمی به یکباره تغییر نمی‌کند؛ جهد مداوم می‌خواهد. باید تجربه‌های مان را تبادل کنیم و از خود نیز بیاموزیم. در سایه رسیدن به خودآموزی و هم‌آموزی می‌توانیم به تغییر یادگیرنده در جهت مثبت برسیم.

به امید آن روز

در این ارائه‌ها و بازخوردها مشاهده نشد که معلمی نگاشته باشد که در راستای این نگرستن‌ها از آینه دیگری، تن صدایم را در کلاس تغییر دادم؛ لحن بیانم را عوض کردم؛ تند حرف‌زدنم را رفع کردم؛ از نشستن یا ایستادن مدام، دست کشیده‌ام؛ بیشتر راه رفته‌ام؛ به شاگردانم فرصت نفس کشیدن داده‌ام؛ آن‌ها را دیده‌ام؛ از مچ‌گیری احتمالی دور شده‌ام؛ بعضی موارد را کتمان کرده و یا نادیده گرفته‌ام؛ به تفاوت‌های فردی بیش از قبل اهمیت داده‌ام؛ از بیان جملات اضافی خودداری کرده‌ام؛ حرف‌های دانش‌آموزانم را روی تابلو یادداشت کرده‌ام و هزاران نکته ریز و درشت دیگر ...

به نظر می‌رسد باید در درس پژوهی، به چنین نکات قابل توجهی هم پرداخته شود، تا بهسازی همه‌جانبه تدریس معلم صورت پذیرد. تا بستر یادگیری، بیش از قبل، فراهم شود. باید به واری برداشت‌های ذهنی مان بیشتر بپردازیم. گفتار، رفتار و شکل نگاه‌مان را بازسازی کنیم. صدای خودمان را در فرایند تدریس گوش کنیم و روی کاغذ هم بیاوریم. از آنچه دیده و شنیده‌ایم، یادداشت‌برداری کنیم تا ایده‌های تازه‌ای را بتوانیم تمرین کنیم و این‌جاست که درس پژوهی با درس کاوی عجین شده و پیوند خورده است. از حد درس پژوهی که فراتر رویم به روشی علمی برای پژوهش در فرایند آموزش و یادگیری می‌رسیم که همان واکاوی بالینی تدریس یا آنالیز درس است.

این‌جاست که درس پژوهی باید مبتنی بر شواهد عینی و با بررسی هر آنچه در کلاس درس می‌گذرد و به‌دست می‌آید، باشد و در جهت غنی‌سازی یادگیری دانش‌آموزان به پیش رود و دیگر تنها نگاه به «معلم» نیست بلکه «معلمی» مدنظر است و نتیجه آن یعنی یادگیری دانش‌آموزان.

آنچه معلم قصد دارد تدریس کند و آنچه دانش‌آموزان یاد می‌گیرند، روش‌های ارتباط گفتاری یا نوشتاری در کلاس درس، گفت‌وشنودهای دانش‌آموزان در فرایند تدریس، کیفیت پرسش‌ها، شیوه مواجهه‌ی معلم با اشتباه